

نامه ای به:

## رهبر حزب چپ سوئد، Lars Ohly

تا حدودی از فشار احزاب ارتجاعی و جریان‌های راست و ضد کمونیست سوئد بر علیه شما، به جرم اینکه خود را "کمونیست" خوانده‌اید، از طریق رسانه‌ها مطلع شدم. تا همینجا که حتی مستقل از سیاست و عمل ناظر بر حزب چپ خود را کمونیست می‌دانی و بر آن پای می‌فشاری برای من قابل احترام است.

بورژوازی و احزاب رنگاورنگش، از جمله سوسیال دموکراسی و دیگر احزاب راست ملی و مذهبی سوئدی به تداوم ضدیت با کمونیسم نیاز دارند زیرا به ادامه حاکمیت سرمایه داری "دمکراتیک" و تداوم بهره‌کشی از انسان و کار مزدی نه تنها نیاز دارند که نفس بقا و حفظ این نظام استثمارگر بخش تفکیک ناپذیری از هویت سیاسی و طبقاتی آنان است.

باید بی‌شرمانه استالین و سرمایه‌داری دولتی شوروی سابق و امثال کیم ایل سونگ در کره شمالی را کمونیست جار بزنند تا بتوانند کمونیسم انسانی و رادیکال مارکس را که در اعماق جامعه ریشه دوانده تحریف و سرکوب کنند. دست بردن مجدد به انبار ورشکسته تبلیغاتی دوران جنگ سردی و ادعا "کمونیسم شکست خورد" احزاب و ژورنالیستهای اجیر بورژوازی دیگر کاربردی نخواهد داشت.

قریب به ۱۵ سال است که مردم دموکراسی و نظم نوین بورژوازی را دارند تجربه می‌کنند. جامعه بشری در اقص نقاط دنیا از جهان تحت سلطه دموکراسی متنفر است. سوسیال دموکراسی و نظم نوین بوش و بلر دو روی یک سکه‌اند. نظام سوسیال دموکراسی اروپائی، این مظهر ریاکاری که سرمایه‌داری را با زورق سوسیالیسم "دمکراتیک" نمایندگی می‌کند و دموکراسی نظم نوین بوش و بلر را که، در تقابل کامل با حقوق جهانشمول انسان است، و کارنامه زیبایش در یوگسلاوی و افغانستان و عراق دیدیم و هر روز میلیونها مردم جهان با اشک و ترس و کابوس نظاره‌گر آند، بعنوان "آزاد کننده رژیمهای دیکتاتور" جار می‌زنند.

به آمار مرگ و میر ده‌ها میلیونی کودکان، به ابعاد وسیع بیکاری، به زندگی زیر خط فقر اکثریت عظیم جامعه، به راه اندازی جنگهای ملی و مذهبی در بیش از ۳۰ کشور و غیره نگاه کنیم تا گوشه‌ای از عمق کثافت نظام سرمایه‌داری و شکل حاکمیت دموکراسی و بازار آزاد و پارلمانتاریسم را دریابیم.

در قلب اروپا و در همین سوئد، تحت حاکمیت دموکراسی و پارلمانتاریسم در کنار دادن تصویر دروغین "ضد دمکراتیک" از کمونیسم می‌خواهند افکار عمومی را تخریب کنند ولی به بوش و بلر و سیاست جنگی و بازار آزاد و دموکراسی ویرانگر آن لبیک می‌فرستند. در دل این هیاهو و در

جهان دموکراسی به سیاست راسیستی نسبت فرهنگی دامن می‌زنند، گتو سازی مهاجرین را توجیه میکنند، به افسار گسیختگی اسلام سیاسی در سرکوب زنان و دختران، به نقض آشکار حقوق کودکان تحت عنوان "رعایت دموکراسی" و فرهنگ ملی و اسلامی قانونیت می‌دهند، بجای بهره‌گیری از دانش و علم موجود در جامعه در مسجد و مدارس "مدارس آزاد" اسلامی درست می‌کنند. در جهت منافع سیاسی و اقتصادی‌شان سیاست ضد پناهندگی را با قربانی کردن هر روزه صدا انسان و کودک جشن می‌گیرند. اینها دولت و احزاب "محترم" و "غیر دیکتاتور" و "دموکراسی" پرورش یافته‌ای هستند که در گسترش فشارمداوم بر جامعه و ایجاد کنترل "دمکراتیک" و "محترمانه" بازار و دولت و کارفرما بر جامعه و طبقه کارگر و روند بیکاری و فقر و بدبختی اکثریت مردم، کارگشته‌اند.

آنها برای باز پس گرفتن دستاوردهای تائکونوی جامعه، که خود محصول حضور کمونیزم و کارگر و جنبشهای وسیع حقوق شهروندی و آزادی و برابری در اروپا و سوئد بوده‌است، میخواهند پس از فروپاشی اردوگاهی که به نام کمونیسم و امثال استالین بر پا شده بود، نقش برجسته کمونیسم مارکس و اراده عظیم انقلابی و انساندوستانه لنین و کمونیستهای راستین را همچنان زیر ضرب و تحت بمباران تبلیغاتی و آپارات مهندسی افکار خود داشته باشند تا موفق به باز پس گرفتن دست آوردهای تائکونوی شوند. یک شرط اساسی تداوم حاکمیت سرمایه داری و زمینه سازی برای تعرض به مردم و دستاوردهای تائکونوی جامعه، جعل و نفرت سازی از کمونیسم و جایگاه آن و تاریخ واقعی کمونیستها است.

## آقای لارش!

جامعه سوئد، طبقه کارگر و جوانان سوئد به مارکسیستهای شجاع، آگاه و پراکتیکی نیاز دارند که در مقابل حقایق تلخ فوق به ایستند. این جامعه به کمونیزم نوع مارکس تشنه است. تنها پاسخ و آلترناتیو ممکن و انسانی به این همه مصائب که سرمایه داری در قالب دولت و احزاب و اتحادیه و غیره بر جامعه جهانی تحمیل کرده است، جز کمونیزم و سوسیالیسم، افق و آینده دیگری را برای بشریت نمی‌توان تجسم کرد. باید سر راست و شجاعانه پرچم کمونیزم مارکس را در همه جا بر افراشت! هیچ وجدان صادق و هیچ انسان شریفی نقش زیر و رو کننده انقلاب اکتبر را بر جوامع غربی از جمله سوئد را نمی‌تواند انکار کند.

بزرگترین مارکسیست و رهبر جنبش کمونیستی زمانه ما، منصور حکمت، می‌گوید "اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است". این نقل قول کوتاه واقعی ترین تعبیر از سوسیالیسم و رابطه آن را با انسان و جامعه بیان می‌کند. جامعه و جنبش سوسیالیستی و کارگری سوئد به مارکسیستهای شجاع این عصر برای دفاع از کمونیزم و دادن تعبیر و روایت درست از کمونیزم نیاز دارد. برای شناخت درست از جامعه معاصر سرمایه داری و سرانجام برای رسیدن به سوسیالیسم، به مارکس و منصور حکمت نیاز داریم. باید مارکس و متفکر بزرگ

این عصر مارکسیسم، منصور حکمت، را شناخت و خواند و به پرچم همه انسانهای شریف تبدیلش کرد. بدون مارکس و لنین و منصور حکمت آینده روشن جهان متمدنی وجود نخواهد داشت!

## آقای لارش!

اکنون شما در جامعه و مدیا سوئد وسیعاً حضور دارید. این موقعیت می تواند به نفع کمونیزم و صف آزادیخواهی و برابری طلب تمام شود یا به عکس آن تبدیل گردد. شما میتوانی در هر دو حالت ممکن نقش مهمی در این دوره داشته باشید. اما برای پیشروی کمونیزم مارکس و جنبش سوسیالیستی نیاز به اظهار وجود بسیار روشنتر و انقلابی و خلاف جریانی است. امیدوارم در این سطح ظاهر شوید.

در هر حال تا اینجا که صریحاً بعنوان کمونیست از خود نام می برید و در حزب چپ و پارلمان سوئد و جامعه بر آن پای می فشارید جای تقدیر است. امیدوارم کمونیستهای سوئد همانند بلشویکهای دیروز و کمونیست کارگریهای امروزی، از نوع مارکسی و حکمتی آن، برای تغییر بنیادهای جامعه سوئد نقش تاریخی ایفا کنند. ابراز وجود علنی چنین کمونیزم اجتماعی و جدی در سوئد به سرعت هزاران مارکسیست و انسان آزادیخواه و برابری طلب را دور خود گرد خواهد آورد. شما را دعوت می کنم که به سایت منصور حکمت:

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com) مراجعه کنید، یک دنیا راه و پیوند برای ارتباط عاطفی و سیاسی و همبستگی مبارزاتی را با ما خواهید یافت.

زنده باد مارکس!

زنده باد لنین!

زنده باد منصور حکمت!

با احترام

سلام زیجی

[s\\_zijji@yahoo.se](mailto:s_zijji@yahoo.se)

۱۳ اکتبر ۲۰۰۴

E-postadress(er):  
[hekmatist@ukonline.co.uk](mailto:hekmatist@ukonline.co.uk)

<http://www.m-hekmat.com/>